

تأثیر پذیرش خطر (اقدام) در انتغای مسئولیت مدنی ورزشکاران

محمد مهدی مقدادی^۱

استادیار گروه حقوق دانشگاه مفید

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۴/۲۱

تاریخ تأیید: ۹۳/۰۷/۰۸

چکیده

خشونت و آسیب از پیامدهای ناخواسته گسترش روزافزون ورزش است. بخش مهمی از زیان‌ها و آسیب‌ها، مربوط به عملیات ورزشی (بازی‌ها و رقابت‌های ورزشکاران) است. در نظام‌های حقوقی این گونه خسارات و آسیب‌ها مشمول قواعد عمومی مسئولیت مدنی قرار نمی‌گیرند. بسیاری مبنای آن را با پذیرش خطر و اقدام ورزشکار زیان‌دیده توجیه می‌کنند. در این نوشتار تلاش شده این مبنای نخست از دیدگاه حقوقی مطالعه شود و آن‌گاه از نظر فقهی مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد تا ضمن تحلیل و ارزیابی این مبنای در انتغای مسئولیت مدنی ورزشکاران، زمینه برای جهت‌گیری رویه قضایی و تدوین مقررات مناسب در حقوق ما فراهم گردد.

واژگان کلیدی: حوادث ورزشی، مسئولیت مدنی، پذیرش خطر، رضایت، اقدام

مقدمه

امروزه ورزش جایگاه مهمی در زندگی انسان دارد. بازی‌های ورزشی از قالب سرگرمی و تفریح فراتر رفته به امری محوری در حفظ سلامتی و تندرستی و عاملی مهم برای تربیت و پرورش نسل جوان تبدیل شده است، به گونه‌ای که از آن به عنوان یکی از ضرورت‌های زندگی یاد می‌گردد. ورزش از نظر ملی، سیاسی و فرهنگی نیز اهمیت یافته است، تا آنجا که بسیاری از کشورها و سازمان‌های بین‌المللی نیروها و سرمایه‌های کلانی را در این راه صرف می‌کنند.^۲ اهمیت و گسترش روزافزون ورزش به ایجاد و رشد پیامدهای ناخواسته‌ای نیز منجر گردیده است که یکی از پرچالش‌ترین آن‌ها خشونت در ورزش و آسیب‌های ورزشی است. متأسفانه حادثه و خشونت هم در ورزش‌های آماتور و هم در ورزش‌های حرفه‌ای به مشکلی اساسی تبدیل گردیده و در چند سال اخیر نیز فزونی داشته است (K. Thornton, 2010: 13).

1. Email: mm_meghdadi@yahoo.com

۲. از دیدگاه اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ دولت موظف است همه امکانات خود را در جهت توسعه ورزش و تربیت بدنی رایگان برای همه و در تمام سطوح به کار ببندد.

این گونه مسائل دانشمندان را به مطالعه و تحلیل روابط و رویدادهای ورزشی و احکام و مسائل مربوط به آن واداشته است، تا آنجا که «حقوق ورزشی» و «فقه ورزش» به عنوان گرایش‌های جدید برای مطالعه و بررسی جوانب حقوقی و فقهی ورزش ایجاد شده است، لیکن ادبیات علمی ما در این زمینه نوپا است و پژوهش‌های فقهی و حقوقی و مقررات قانونی و رویه قضایی آن گونه که باید به این پدیده مفید و مهم اجتماعی و مبارزه با خطرهای آن و تحلیل احکام و روابط حقوقی و تخلفات مرتبط با آن نپرداخته است.^۱

یکی از این مسائل، حوادث ناشی از مسابقات و بازی‌های ورزشی است که با وجود فوائد متعدد و متنوع، جایگاه خطرناک و حوادث فراوانی است. بسیاری از حرکات ورزشی که نشانگر فن و توان ورزشکار است، به همراه خود برخوردها و زیان‌هایی را نیز در بردارد که در ضمن عملیات ورزشی^۲ به دیگر ورزشکاران وارد می‌آید، به عنوان نمونه می‌توان از انواع فوتبال، هاکی، کشتی، بوکس، کاراته، جودو و سایر رشته‌های رزمی یاد کرد.

در این موارد دولت‌ها به‌رغم آگاهی از چنین خطرناک و آسیب‌هایی در برابر رغبت شدید مردم و جامعه به ورزش و فشار افکار عمومی از احتیاط و برخورد با این حوادث طفره رفته و از مجازات ضرب و جرح در ورزش چشم پوشیده‌اند؛ به گونه‌ای که دیگر زیان‌ها و آسیب‌های ناشی از حوادث ورزشی لازمه اجتناب‌ناپذیر ورزش تلقی گردیده است. در نتیجه حادثه و آسیبی که بر پایه مقررات کیفری کشور می‌تواند جرم محسوب گردد، در رابطه ورزشی دیگر جرم نیست و زیان‌های ناشی از این خطا در عملیات ورزشی قابل تعقیب و مطالبه نمی‌باشد و به تعبیر یکی از اساتید حقوق: «فشار افکار عمومی و فایده‌های اساسی و اقتصادی و اخلاقی این گونه بازی‌ها چنان قوی است که احتیاط را کاهلی جلوه می‌دهد و دوراندیشی را به ترس بیهوده تعبیر می‌کند» (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۴۰۶/۱).

۱. در این میان روابط بین ورزشکاران، رابطه ورزشکاران با مربیان، مسئولیت داوران ورزشی، صدمات مربوط به تماشاگران و ... قابل توجه است.

۲. در بیان مفهوم عملیات ورزشی می‌توان گفت که عملیات ورزشی، انجام فعالیت‌ها و حرکاتی از یک رشته ورزشی است که در فضای مخصوص و مناسب توسط ورزشکار با رعایت قواعد و مقررات آن ورزش انجام می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت: اولاً، عملیات ورزشی باید مربوط به یک رشته ورزشی مشروع و دارای مجوز باشد. ثانیاً، عملیات و حرکات ورزشی باید در فضای متعارف و محیط استاندارد انجام شود. ثالثاً، این حرکات و فعالیت توسط شخص ورزشکار انجام شود؛ و رابعاً، در انجام حرکات ورزشی، مقررات مربوط به آن ورزش نیز مراعات گردد.

این نوع حوادث در بند ۱ ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی کشور ما نیز زیر جرم محسوب نشده است.^۱ اگر چه مقرر شده به مسئولیت کیفری ناشی از عملیات ورزشی می‌پردازد و آن را در شمار علل موجهه جرم قرار می‌دهد، لیکن به لحاظ ارتباط با مسئولیت مدنی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد، به ویژه اینکه در این مجال قانونگذار سخنی از لزوم پرداخت خسارت (دیه و ارش) به میان نیاورده و به نوعی مسئولیت مدنی را نیز منتفی دانسته است، در حالی که می‌توانست همانند مسئولیت مدنی پزشک به صراحت این امر را مورد عنایت قرار دهد. هر چند این ماده ناظر به امور کیفری است نه مسئولیت مدنی، ولی از ملاک آن در ضمان مالی نیز می‌توان استفاده کرد (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۳۹۸/۱)؛ (آقایی‌نیا، ۱۳۷۸: ۱۸-۱۹). لیکن پذیرش این مطلب در گرو بررسی این مسئله به ویژه تحلیل مبانی فقهی آن است.

از این رو شناسایی مبانی حقوقی و فقهی انتفای مسئولیت مدنی از جمله مسئولیت ورزشکاران در عملیات ورزشی اهمیت فراوانی دارد و می‌توان آن را مهم‌ترین گام جهت رفع کاستی‌های تحقیقی، جهت‌دهی رویه قضایی و فراهم کردن زمینه برای قانونگذاری مطلوب در این موضوع دانست.

یکی از مبانی مهم ارائه شده در این خصوص قبول خطر و اقدام از سوی زیان‌دیده است. این مبنا که با جانبداری بسیاری همراه است و در نظام‌های حقوقی مختلف به عنوان یکی از عوامل مهم رافع مسئولیت مدنی محسوب گردیده در حقوق ما و فقه اسلامی با ابهام و تردیدهایی مواجه است. از جمله آنکه آیا اقدام و پذیرش خطر توسط زیان‌دیده در خصوص زیان‌های بدنی و آسیب‌های جسمانی رواست و عدم مسئولیت مدنی عامل زیان را نتیجه می‌دهد؟ یا خیر.

از همین رو بررسی این مبنا، موضوع این نوشتار قرار گرفته است تا طی دو گفتار نخست از دیدگاه حقوقی مطالعه شود و آن گاه از منظر فقهی مورد تحلیل قرار گیرد تا طی این فرآیند تحقیقی، تأثیر و قلمرو اعتبار آن مشخص گردد.

۱. در ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی مقرر شده است: «ارتکاب رفتاری که طبق قانون جرم محسوب می‌شود، در موارد زیر قابل مجازات نیست: ... ث- عملیات ورزشی و حوادث ناشی از آن، مشروط بر اینکه سبب حوادث، نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد و این مقررات هم معایر موازین شرعی نباشد».

۱- بررسی تأثیر اقدام و پذیرش خطر در عملیات ورزشی از دیدگاه حقوق

گروهی از حقوقدانان گفته‌اند: در حوادث ناشی از عملیات ورزشی، ورزشکاری که زیان می‌بیند، خود اقدام به قبول خطر و زیان کرده و با شرکت در مسابقه و بازی ورزشی به حوادث و آسیب‌های ناشی از آن تن در داده است. از این رو چگونه می‌توان به او حق تعقیب داد و ورزشکار عامل زیان را مسئول دانست. «همگان می‌پذیرند که بازیکنان فوتبال، بیسبال، بسکتبال و هاکی همانند مشت‌زنان خطر صدماتی که ممکن است از رفتار و حرکات حریف در خلال یک بازی متحمل شوند را بر عهده گرفته‌اند» (K. Thornton, 2010: 335).

از سوی دیگر، عرف گذشت و مردانگی و تقدیس اخلاقی تهور و بی‌باکی در بازی‌های ورزشی از عوامل حقوقی و روانی دیگری است که حربه قانون را کند می‌کند و ویژگی مسئولیت‌های ورزشی را نمایان می‌سازد. حتی ورزشکاری که با دنده شکسته یا دستی و پال به گردن بیرون می‌آید، نه تنها زیان و ستمی را که بر او رفته است، احساس نمی‌کند و به آن نمی‌اندیشد، بلکه به مردانگی و شجاعت خویش هم می‌نازد و چنانچه از باب تعقیب عامل زیان و جبران خسارت درآید، با عتاب و تحقیر وجدان عمومی سرافکننده می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۴۰۸/۱)؛ پس حتی می‌توان قبول خطر را لازمه تفکیک‌ناپذیر ورزش تلقی کرد.

به هر روی، قبول خطر، پذیرش صریح یا ضمنی خطری است که شناخته شده و مورد ارزیابی قرار گرفته و شخص با اراده خود به آن تن داده است. بنابراین کسی که خطر ناشی از رفتار غیر را می‌پذیرد، در صورت تحقق ضرر و زیان نمی‌تواند مطالبه خسارت نماید. در صدمات ورزشی نیز ورزشکار به عنوان زیان‌دیده خطرهای عادی را قبول کرده است (جامپیون جونیور، ۱۳۸۶: ۲۱۷). بنابراین فرض بر این است بازیکنانی که با اراده خویش به رقابت و بازی ورزشی می‌پردازند، تمامی خطرهای آشکار و قابل پیش‌بینی مربوط به آن را می‌پذیرند و آنچه در چارچوب آگاهی عادی قرار دارد مشمول پذیرش خطر می‌شود. با وجود این خطرهایی که نه ذاتی و نه قابل پیش‌بینی است، مورد قبول نخواهد بود مثل اینکه بازیکن فوتبالی از ضربه مشت دیگری آسیب ببیند یا سوارکاری از ضربه شلاق سوارکار دیگر دچار حادثه گردد.

این دیدگاه در حقوق بسیاری از کشورها به ویژه در رویه قضایی دادگاه‌های انگلیس و آمریکا مورد حمایت قرار گرفته است و آرایه‌ای که دعاوی جبران خسارت را به استناد عرف، رضایت زیان‌دیده و شرکت اختیاری او در مسابقه رد کرده‌اند، فراوان است

(والتر و جامیون، ۱۳۸۶: ۱۹-۲۴). اصطلاح پذیرش خطر یا دکتین اقدام در نظام حقوقی کامن لا و حقوق فرانسه^۱ به کار رفته است (Prosser, 1971: 439); (K.Thornton, 2010: 335)؛ و منظور از آن این است که شخصی (خواهان) آگاهانه خود را در معرض یک خطر شناخته شده قرار دهد، بدون اینکه مرتکب تقصیری شده باشد. در این صورت، فرض این است که خطر را پذیرفته و با این کار، عامل زیان (خواننده) از مسئولیت معاف می‌گردد (Campbell Black, 1990: 123, 1575).

از این رو شرط قاعده پذیرش خطر این است که زیان دیده خود مرتکب تقصیر نشده باشد، بلکه باید آگاهانه نتایج زیانبار ناشی از تقصیر دیگر را پذیرفته باشد. بنابراین می‌توان شرایط اعمال این قاعده را این گونه بیان کرد: ۱- زیان دیده به شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر موقعیت خویش، علم دانسته باشد؛ ۲- بداند که آن موقعیت خطرناک و زیانبار است؛ ۳- از ماهیت و دامنه خطر احتمالی آگاهی داشته باشد؛ ۴- آگاهانه خود را در معرض خطر قرار دهد (Ibid. 123, 1575).

البته بسیاری از نویسندگان بر این باورند که پذیرش خطر یا اقدام زیان دیده تأثیری در رفع مسئولیت‌هایی که از عمد یا در حکم عمد می‌شود، ندارد. بنابراین به‌رغم رضایت زیان دیده هیچ‌کس نمی‌تواند روی عمد به او آسیب برساند. بدین جهت مبارزه بدون دستکش بوکس یا مبارزه آزاد (خشونت بار) غیرقانونی است و نمی‌توان توجیهی برای رفع مسئولیت فراهم آورد (Winfield, 1950: 419).

۱. در مورد پرونده معروف مطرح شده در شعبه دوم مدنی دیوان عالی کشور فرانسه آمده است: «بازیکنی در بازی دوستانه فوتبال شرکت کرد و بر اثر برخورد توپ با سرش توسط دروازه‌بان تیم مقابل، زخمی شد. دادگاه پژوهش، با این عنوان که دروازه‌بان زنده شوت، مرتکب هیچ تقصیری نشده و وظیفه نگهداری توپ را به عهده نداشته است، رأی به رد دعوی زیان دیده صادر کرد. در فرجام‌خواهی، به ترتیب، این ایرادها بر رأی وارد شد که وجود تقصیر و سمت نگهداری برای عامل خسارت را نپذیرفته و برای معافیت وی، نظریه پذیرش خطر را اعمال کرده است. لیکن در مورد ایراد نخست، مربوط به تقصیر عامل، دیوان عالی کشور فرانسه، صرفاً موارد احراز شده توسط قضات تجدید نظر را تکرار می‌کند و معتقد است این موارد، نشان می‌دهد که دروازه‌بان، هیچ‌گونه تخطی از قواعد یا اخلاق بازی نکرده است. نتیجه‌گیری دیوان این بود که وی مرتکب هیچ تقصیری نشده که به صورت نقض قواعد بازی باشد و بتواند موجب مسئولیت ناشی از عمل شخصی‌اش شود. پاسخ به دومین ایراد درباره نگهداری، جالب‌تر است. دیوان عالی فرانسه، در عین اینکه می‌پذیرد که بازیکن فوتبال با ضربه به توپ، برای جهت‌دهی و حرکت دادن به آن، به طور موقت، مستقلاً بر آن تسلط داشته است، اما در اینجا نیز بر مبنای دلایل ذکر شده در رأی دادگاه پژوهش، اعلام می‌دارد که دروازه‌بان در مورد توپ از اختیارات استفاده؛ اداره؛ و کنترل؛ که تشکیل‌دهنده نگهداری هستند، برخوردار نبوده است. همان‌طور که در این رأی آمده است این دلیل، انتقادهای فرجام‌خواهی درباره پذیرش خطرات را - که قضات، مبنای رأی خود قرار داده بودند - رفع می‌کرد (پاتریس ژوردن، ۱۳۸۶: ۳۹۶-۳۹۸).

البته در تحلیل بیشتر و دقیق از نظریه قبول خطر و اقدام زیان‌دیده، علاوه بر ماهیت اقدام آمیز آن می‌توان به ابراء مسئولیت و نوعی توافق ضمنی دست یافت. از این رو برخی از نویسندگان در بررسی‌های خود اظهار نظر کرده‌اند که قبول خطر، پذیرش ارادی، صریح یا ضمنی خطری است که شناخته شده و مورد ارزیابی قرار نگرفته است، بنابراین کسی که خطر ناشی از رفتار غیر را پیش‌بینی کرده و می‌پذیرد، نمی‌تواند در صورت تحقق ضرر و زیان، مطالبه خسارت نماید.

ناگفته نماند که قبول خطر به منزله پذیرش تمامی آسیب‌های ناشی از حوادث ورزشی و انتفای کامل مسئولیت نیست. زیرا حتی ورزشکاران حرفه‌ای هم خطرهای عادی بازی را قبول می‌کنند و به خطرهای و آسیب‌های ناشی از خطاهای عمدی طرف مقابل، یا قصور برگزارکننده مسابقات یا مسئولان ورزشگاه تن در نمی‌دهند.

به طور معمول فرض بر این است که بازیکنان و ورزشکارانی که به خواست و اراده خود به بازی می‌پردازند خطرهای عادی، آشکار و قابل پیش‌بینی مربوط به مسابقه را قبول می‌کنند و در این خصوص رضایت زیان‌دیده و به نوعی توافق ضمنی در مورد پذیرش خطر و انتفای مسئولیت قابل اثبات است، لیکن در مورد خطرهای نامتعارف و غیرقابل پیش‌بینی چنین رابطه‌ای برقرار نخواهد بود. بنابراین شرکت اختیاری در بازی‌های ورزشی، حتی رشته‌های خشن که متضمن حوادث و درگیری‌های بدنی است، به معنای پذیرش و رضایت ضمنی به خطرهای عادی آن است، لیکن رضایت به درگیری‌های ممنوع و آسیب‌های نامتعارف را در بر ندارد، زیرا این خطرهای غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل پذیرش و توافق است. رویه قضایی پاره‌ای از کشورها نیز به همین باور گراییده‌اند (والتر و جامپیون، ۱۳۸۶: ۲۲۱).

باید افزود آن رویکرد در حقوق و رویه قضایی آمریکا نظریه خطر ذاتی^۱ است که به خوبی گستره وسیعی از حوادث ورزشی را در برمی‌گیرد. این نظریه بر اساس یک آگاهی عمومی استوار است که ورزش با خطر، توأم و همراه است. همگان می‌دانند که برخوردها جزئی از ورزش‌اند و ارزش ورزش در همین برخوردها، خطرهای و اعمال فن و قدرت است. ورزشکاران به طور اجتناب‌ناپذیر این آگاهی را دارند و از این رو زیان‌دیده نیز مشمول این آگاهی عمومی است. بدین جهت شرکت در فعالیت‌های ورزشی به منزله رضایت و پذیرش این اتفاق نظر است^۲، زیرا شرکت‌کننده با اختیار خود چنین انتخابی کرده است.

1. Inherent Risk.

2. Kim Rew'liability For Sport injuries.

هر بازی و فعالیت ورزشی در بردارنده خطرات خاص خود می‌باشد و شرکت‌کننده در آن، خطرهای معمول و مربوط به آن را پذیرفته است.^۱ از این رو در پرونده‌های مربوط به صدمات ورزشی باید بر این نکته تمرکز کرد که خطر و حادثه پدیدآورنده صدمه، جزء ذات و طبیعت آن ورزش می‌باشد. بنابراین خطری که موجب آسیب‌دیدگی شده کانون توجه است و نه خود آسیب‌دیدگی. البته در حقوق ایران درباره این موضوع بحث و گفتگوی لازم صورت نگرفته است. حتی برخی حقوقدانان با رد (نظریه پذیرش خطر در حوادث ورزشی) به دیدگاه مبتنی بر عرف و عادت و اجازه قانون گراییده و اظهار داشته‌اند فقط اجازه قانونی است که می‌تواند توجیه‌کننده جرائمی باشد که در چنین شرایطی پیش می‌آید (نور بهاء، ۱۳۷۹: ۳۱۹)؛ (بوشهری، ۱۳۷۹: ۱۱۳).

بدین‌سان برای تبیین و ارزیابی شایسته این بحث و جمع‌بندی مناسب، لازم است که نظریه پذیرش خطر از منظر فقه اسلامی مورد تحلیل قرار گیرد و با قاعده اقدام در فقه اسلامی که خود از مسقطات ضمان است و با آن شباهت فراوانی دارد، مقایسه شود. از این رو در ادامه برای نقد و ارزیابی درست این مبنای حقوقی به باز پژوهی قاعده اقدام؛ و به نقش آن در انتقای مسئولیت مدنی به ویژه مسئولیت مدنی ورزشکاران می‌پردازیم.

۲- بررسی تأثیر اقدام و قبول خطر در عملیات ورزشی در فقه اسلامی

نظریه اقدام (اقدام به زبان)^۲ یکی از اسباب سقوط مسئولیت مدنی (ضمان) است که

۱. به عنوان نمونه گفته شده در ورزش شمشیربازی، شمشیرباز، خطر ضربه خوردن با شمشیر را از حریف پذیرفته است یا در پرونده‌ای سواری در حالی که سوار اسب بود، سوارکار دیگری را زخمی کرد، در این پرونده خواهان متحمل آسیب‌دیدگی شده بود، زیرا خواننده هنگام بازی چوگان و زمانی که چوب را می‌چرخاند تا به گوی ضربه بزند، موجب آسیب دیدن چشم خواننده گردید. دادگاه کامن‌لا در نهایت ضمن ردّ مسئولیت استدلال کرد که خواهان با شرکت داوطلبانه در فعالیت ورزشی خطرناک مثل چوگان خطر و آسیب‌دیدگی را قبول کرده است (همان).

۲. در اصطلاح فقهی با عنوان قاعده اقدام دو مسئله مهم را تحت پوشش قرار داده‌اند: ۱- اقدام به ضمان؛ ۲- اقدام به زیان. قاعده نخست به جنبه اثبات‌کننده ضمان می‌پردازد و دیگری از مسقطات ضمان است. البته جنبه دوم اهمیت و رونق بیشتری دارد. مرحوم شیخ انصاری بر این باور است که شیخ طوسی نخستین کسی است که به قاعده اقدام برای ضمان استناد کرده است (مرتضی الانصاری، کتاب المکاسب، ج ۳، ص ۱۸۸). برخی دیگر از فقیهان نیز به پیروی از شیخ طوسی چنین کرده‌اند مانند، شهید ثانی و مرحوم صاحب جواهر (زین الدین العاملی، مسالک الافهام، ج ۴، ص ۵۶)؛ (محمدحسن النجفی، جواهر الکلام، ج ۴۷، ص ۱۷۹). لیکن بزرگانی از فقهاء بر این عقیده‌اند که اقدام نمی‌تواند به تنهایی مستند ضمان باشد. ر.ک: (مرتضی الانصاری، کتاب المکاسب، ج ۳، ص ۱۸۹)؛ (محمدکاظم الخراسانی (آخوند)، حاشیه المکاسب، ص ۳۰۱)؛ (روح الله الموسوی الخمینی، کتاب البیع، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۷۲)؛ (رضا الهمدانی، حاشیه المکاسب، چاپ سنگی، ص ۵۱). به هر روی به لحاظ پرداختن به جنبه اسقاطی قاعده مزبور، نگارنده ترجیح داده است از عنوان نظریه اقدام استفاده نماید.

می‌تواند به عنوان مبنای فقهی مسئولیت مدنی ورزشکاران نیز مورد توجه قرار گیرد. به موجب این نظریه، هرگاه شخصی با توجه و آگاهی، عملی را انجام دهد که موجب ورود آسیب و زیان توسط دیگران به او شود، واردکننده زیان مسئول نخواهد بود. مانند اینکه کسی مالی را به بهای بیشتری بخرد، یا اینکه اموال خود را به دست دیوانه یا صغیر بسپارد و یا از دیگری بخواهد که مالش را تباه کند، در این گونه موارد چون زیان دیده اقدام به زیان خویش کرده، فرد دیگری در برابر او مسئولیتی نخواهد داشت، هر چند زیان به دست او واقع شده است. بسیاری از فقیهان معاصر این گونه نظر داده و عدم مسئولیت واردکننده زیان را مستند به «اقدام» دانسته‌اند (الحسینی المرآعی، ۱۴۱۸ق: ۲/ ۴۸۸)؛ (آل کاشف الغطاء، ۱۳۶۰ق: ۹۰/۱)؛ (محقق داماد، ۱۳۷۶: ۲۲۰/۱)؛ (المصطفوی، ۱۴۱۵ق: ۴۹)؛ (بجنوردی، ۱۳۷۹: ۹۲/۱).

برای اثبات اعتبار فقهی این نظریه به اموری استدلال شده است: ۱- سلطنت و اسقاط حق: طبق ادله شرعی هر صاحب حقی می‌تواند حق خود را اعمال یا اسقاط نماید. بنابراین اگر مالکی حق خود را ساقط کرد نتیجه آن عدم ثبوت ضمان بر متصرف و عدم حق مطالبه برای مالک است. از سوی دیگر عمومیت سلطنت مالک نیز چنین اقتضاء می‌کند که هر نوع تصرفی را در مال خویش انجام دهد؛ از جمله اینکه بدون عوضی آن را به دیگران واگذار کند یا به دلخواه خویش آن را در معرض تلف قرار دهد (المصطفوی، ۱۴۱۵ق: ۴۹).

۲- بنای عقلاء: هرگاه شخص عاقل و بالغی با علم و اراده، علیه منافع و امور مالی خویش اقدام کند و احترام مال خویش را ضایع سازد، شخص دیگری مسئول شناخته نمی‌شود. این امر (اقدام) میان مردم رواج دارد و عقلاء در چنین مواردی با قطع نظر از عوارض خارجی، هیچ‌گونه مسئولیتی را برای شخصی که تصرف یا تلف را انجام داده است، منظور نمی‌کنند؛ و از سوی شرع نیز ردع و منعی در مورد آن وارد نشده است. (البجنوردی، ۱۳۷۹: ۹۶)؛ (الحر العاملی، بی‌تا: ۴۲۷/۱۸، ج ۱).^۱

البته مانعیت اقدام نسبت به مسئولیت مدنی آن چنان بداهت عرفی و عقلی دارد که نیازی به جستجوی مستندات نقلی برای آن احساس نمی‌شود (محقق داماد، ۱۳۷۶: ج ۱/۲۲۲).

(اقدام) در کتاب‌های «قواعد فقهی» اهل سنت نیامده است، اما این به مفهوم ناآشنایی یا نپذیرفتن آن نیست. بررسی متون فقهی اهل سنت نشان می‌دهد که فقیهان عامه در موارد مختلفی به (اقدام) استناد کرده‌اند (العثیمین، ۱۴۲۲ق: ۳۸۳/۱۴)؛ (السراج، ۱۴۱۰ق: ۱۲۶).

۱. برخی احادیث نیز مفاد این قاعده را تأیید می‌کند، متن حدیث چنین است: محمد بن الحسن باسناده عن عمر بن یزید قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن رجل ضمن عن رجل ضمناً ثم صالح عليه قال (ع): ليس له إلا الذي صالح عليه.

به عنوان نمونه سرخسی از فقهای نامدار حنفی در فرعی آورده است: «هرگاه کسی چاهی بر سر راه بکند و دیگری به عمد خود را در چاه بیندازد و بمیرد، حفرکننده چاه ضامن نیست، زیرا متوفی به زیان خود اقدام کرده است» (السرخسی، ۱۴۱۴ق: ۱۶).

پرسشی که در این مجال مطرح می‌شود این است که آیا «اقدام» تنها به اموال و حقوق مالی اختصاص دارد یا اینکه در زیان‌های جسمی و آسیب‌های بدنی نیز جاری است؟ نوشته‌های فقهی بیشتر حکایت از اختصاص آن به اموال دارد، حتی پاره‌ای از نویسندگان به صراحت این مطلب را بیان نموده‌اند (بجنوردی، ۱۳۷۹: ۹۶)؛ (طاهری، ۱۳۸۷: ۳۶۶/۱). حتی پاره‌ای گفته‌اند: اقدام به ضرر خود (نفسانی) جایز نیست، زیرا اضرار به نفس از محرمات شرعیه به عنوان اولی است، از این رو مجالی برای قاعده اقدام نخواهد بود (المصطفوی، ۱۴۱۵ق: ۵۱). البته مرحوم سید عبدالفتاح مراغی مواردی را که فقهاء به قاعده اقدام تمسک کرده و ضمان را مرتفع دانسته‌اند، در ده بند جمع‌آوری کرده است. در این میان تنها یک مورد مربوط به اقدام شخص علیه جان، اعضاء و جوارح خویش است که در صورت وجود هشدار و تحذیر و نیز امکان فرار، قائل به رفع ضمان شده است^۱ (الحسینی المراغی، ۱۴۱۸ق: ۴۸۹/۲-۴۹۰).

اما به نظر می‌رسد با توجه به مبانی و مستندات ذکر شده برای «اقدام» نباید در شمول آن نسبت به اعضاء و جوارح (اقدام بر نفس) تردید کرد، چون از یک سو اقدام متفرع بر سلطه است و همان‌طور که انسان بر مال خود سلطه دارد، بر نفس (جان و اعضاء خویش) نیز سلطنت دارد و اساساً این عبارت میان فقیهان مشهور است که «الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم» (الانصاری، ۱۴۲۰ق: ۲۱۶/۶)؛ (الاشتهاردی، ۱۴۱۳ق: ۷۲/۲)؛ (الحسینی میلانی، ۱۴۰۱ق: ۳۳۹/۱)؛ (البروجردی، بی‌تا: ۳۷/۱). برخی فقیهان معاصر در این باره نگاشته‌اند: «ولایت انسان بر نفس خود و اینکه اختیار امورش به دست خویش است، امری عقلایی است و قاعده (الناس مسلطون علی انفسهم) همانند سلطنت بر مال نیز قاعده‌ای عقلایی است و شارع هم آن را ردع نکرده، بلکه در آیات و روایاتی آن را امضاء کرده است (مؤمن القمی، ۱۴۱۵ق: ۱۶۱)؛ (مکارم الشیرازی، ۱۴۱۰ق: ۳۶/۲).

۱. این موارد به طور اجمال عبارتند از: ۱- اقدام خریدار به معامله با علم به فضولی بودن آن؛ ۲- اقدام به خرید مال غصبی با علم به غصبی بودن آن؛ ۳- اقدام خریدار به معامله با علم به معیوب بودن کالا؛ ۴- ارتداد زوجه پیش از دخول؛ ۵- اسلام آوردن همسر کافر؛ ۶- اعراض از اموال؛ ۷- ناشزه شدن زن (که اقدام به اسقاط نفقه‌اش است)؛ ۸- اقدام شخص علیه مال یا جان یا اعضاء و جوارح خود با وجود هشدار و تحذیر و امکان فرار؛ ۹- اموال غاصب که برای عین مغضوبه مصرف شده؛ ۱۰- معامله با دیوانه یا کودک و تحویل دادن ثمن به آنان.

از سوی دیگر همان گونه که بنای عقلاء نیز به عنوان مبنای قاعده اقدام در اموال مطرح است، بی تردید این مبنا در خصوص اقدام شخص بر بدن خویش هم جریان دارد. پس اقدام قاعده‌ای اختصاصی در اموال نیست و می‌تواند در ابدان (با رعایت قلمرو شرعی) نیز جریان یابد و مسئولیت‌های مربوط به آن از جمله ضمان ناشی از عملیات ورزشی را مرتفع سازد.

۳- اذن و رضایت: به موازات اقدام ورزشکار زیان‌دیده، رضایت و اذن او نیز قابل احراز است و این خود می‌تواند مانع به وجود آمدن ضمان شود. چه این روایت مشهور است که «لایحل مال امرء مسلم الا عن طیب نفسه» (النوری، ۱۴۰۸ق: ۳/۳۳۱، ح ۱). مال مسلمان بر کسی روا نیست، مگر با رضایت و موافقت وی؛ یعنی با داشتن اذن، هم تصرف در مال جایز است و هم اذن مانع پیدایش ضمان می‌شود. به عنوان مثال اگر کسی دیگری را میهمان کند یا مالی را به او تعارف کند، ظاهر حال آن است که میهمان و گیرنده مال تعارف شده، مجاز به تصرف است و ضمانی بر عهده وی قرار نمی‌گیرد.

لیکن بعضی از فقیهان ما در رفع مسئولیت توسط اذن، تردید کرده‌اند. به باور آنان اثر اذن تنها اباحه است و اباحه نفی ضمان نمی‌کند. مرحوم سید محمد کاظم یزدی در این باره گفته است: «اذن به خودی خود چه از سوی مالک باشد و چه از شرع، ضمان را مرتفع نمی‌سازد، بلکه اسقاط احترام مال است که رافع است و این تنها در صورت اذن مجانی صدق می‌کند» (الطبائبی الیزدی، ۱۳۷۸ق: ۳۹).

نمونه بهتر درباره مسئولیت مدنی پزشک است. مشهور فقیهان ما بر این باورند که پزشک هر چند ماهر و متخصص باشد و برای معالجه و درمان از بیمار یا ولی او اذن گرفته باشد، در مورد آسیب‌ها خسارات ناشی از معالجه مسئول است و این اذن ضمان را برطرف نمی‌کند و تنها زمانی پزشک از مسئولیت مطلق رهایی می‌یابد که از پیش برائت حاصل نموده باشد (شیخ طوسی، بی‌تا: ۷۶۲)؛ (محقق حلی، ۱۳۸۹ق: ۴/۲۳۲)؛ (الکرکی، ۱۴۱۱ق: ۷/۲۸۱)؛ (السید جواد العاملی، بی‌تا: ۱۰/۲۶۵)؛ (النجفی، ۱۴۰۵ق: ۴۳/۴۵).

لیکن به نظر می‌رسد همواره اذن در حد رخصت نیست و همه جا صرف روایی (اباحه) را به ارمغان نمی‌آورد، بلکه گاه فراتر است به گونه‌ای که ملازم با اتلاف است و ضمان را مرتفع می‌سازد.

البته جمع قابل توجهی از فقیهان در خصوص ضمان پزشک اعلام کرده‌اند که چون پزشک مأذون است و اذن به درمان دارد، ضمان وی از بین می‌رود (الحلی، ۱۴۱۱ق: ۳/۳۷۳)؛ (الشیرازی، ۱۴۰۹ق: ۷۶/۹۰)؛ (الاصفهانی، ۱۴۰۹ق: ۲۸۴-۲۸۴)؛ (آل کاشف الغطاء، ۱۳۶۰ق: ۲/۲۱۹).

گفتنی است، اذن به درمان در صورتی مستلزم اذن به اتلاف نیست که ناظر به درمان واقعی و سلامت باشد، اما در درمان متعارف و غیرقطعی (ظاهری)، اذن به درمان ملازم با اذن به اتلاف است، زیرا در درمان عوامل گوناگونی تأثیر دارد که از کنترل پزشک خارج است، بنابراین اگر این اذن همراه با اذن به اتلاف نباشد، تکلیف مالایطاق می‌گردد (الاردیلی، ۱۴۱۲ق: ۷۳/۱۰ و ۲۲۹/۱۴)؛ (مرعشی، ۱۳۷۳: ۱۵۴-۱۵۵).

فقیهان اهل سنت نیز در مواردی ادعان نموده‌اند که اذن مؤثر در رفع ضمان است. به عنوان نمونه قرافی از فقهای مالکی این گونه نگاشته است: فرق بین اذن عام که از سوی شارع در تصرفات صادر شد و بین اذن مالک خاص که در تصرف اعلام گردیده است، این است که اولی ضمان را ساقط نمی‌کند، اما دومی ضمان را برطرف می‌نماید (القرافی، ۱۴۱۸ق: ۱۹۶/۱).

در این مجال نکته مهمی باید مورد توجه قرار گیرد و آن تحلیل دقیق و تفکیک میان دو موضوع است؛ یکی پذیرش اتلاف نفس و دیگری پذیرش آسیب بدنی (اتلاف عضو). بی‌گمان هم پذیرش اتلاف نفس و هم قبول اتلاف عضو و آسیب به سلامتی حرمت شرعی دارد. اما برای اذن دادن، باید توجه داشت که اذن در اتلاف نفس همواره نارواست و با هیچ توجیهی نمی‌توان آن را پذیرفت (النجفی، ۱۴۰۵ق: ۵۳/۴۲) و بی‌تردید اگر چنین اذنی هم داده شود به موجب نامشروع بودن، این عمل حقوقی لغو و باطل خواهد بود.

در حالی که اذن به اتلاف عضو یا آسیب‌های بدنی در مواردی موجه و امکان‌پذیر است؛ به عنوان مثال در صورتی که حفظ نفس متوقف بر از بین بردن یا قطع عضوی از بدن باشد، بیمار می‌تواند برای این اقدام به پزشک اذن صریح دهد. هم‌چنانکه برای تأمین مصالح مهمی می‌توان برای آسیب‌های جزئی و احتمالی به بدن اذن داد.

ناگفته نماند چنانچه پذیرش خطر در قالب اقدام به عنوان یک واقعه حقوقی صورت گیرد، تفاوتی بین قبول اتلاف نفس و اتلاف عضو نخواهد بود.

پرداختن به مسابقات و عملیات ورزشی نیز می‌تواند مصداقی از مورد اخیر باشد، زیرا شخص برای ورزش کردن و کسب شادابی و توانمندی و ارتقای سلامتی گاه به آسیب‌هایی تن در می‌دهد و به عملیاتی که توأم با خطر است، اقدام می‌کند و گاه قبول خطر در این قالب است که به حریف خود اذن می‌دهد که در راستای مقررات آن ورزش با او رقابت یا مبارزه کند و ضرباتی را به او وارد نماید. بدین سان طبق آن چه بیان شد، پذیرش خطر (اقدام) انتفای مسئولیت مدنی را به روشنی موجه می‌سازد.

تنها مشکلی که در این میان وجود دارد، ادله مربوط به حرمت زدن به خود و به خطر انداختن جان (تعزیر به نفس) است. با این بیان که اگر پذیرش خطر و اقدام بر صدمات و آسیب‌های جسمی به عنوان مبنای انتفای مسئولیت ورزشی پذیرفته و بدان استناد شود، با این ادله روبرو می‌شویم که ضرر بر نفس و به خطر انداختن آن حرام است، به ویژه در مواردی که رقابت یا مسابقه ورزشی برخورد و حادثه‌زا بوده و بیم صدمه و آسیب در آن فراوان باشد. از این رو ادله مزبور اذن یا اقدام بر آسیب جسمی را ناروا و غیرمؤثر می‌انگارد. مهم‌ترین این ادله، به قرار زیر است:

الف - حدیث نفی ضرر و ضرار

حدیث نبوی «لا ضرر ولا ضرار فی الاسلام» بسیار معروف است (الحر العاملی، بی‌تا: ۴۲۹/۲۵، ج ۳ و ۴ و ۳۲/۱۸، ج ۳ و ۴). مفاد آن چنین است که گویی هیچ ضرری در اسلام وجود ندارد، بی‌گمان اگر ضرر زدن به خود از نظر قانونگذار ممنوع نباشد و این نوع ضرر در خارج تحقق یابد، با ادعای عدم وجود ضرر منافی است (محقق داماد، ۱۳۷۶: ۱۵۸/۱). البته اگر «لا» مندرج در حدیث را نهی تحریمی بدانیم، دلالت آن بر حرمت ضرر بر نفس واضح‌تر است. باید دانست که مورد روایت (ضرر زدن سمره به انصاری) نیز نمی‌تواند باعث دست کشیدن از اطلاق آن شود.

ب - روایات دیگر

افزون بر حدیث «لا ضرر» روایات متعدد دیگری وجود دارد که به صراحت بر حرمت ضرر بر نفس دلالت می‌کند. از جمله روایتی که مرحوم کلینی از مفضل بن عمر نقل کرده که حضرت امام صادق (ع) در بیان علل تحریم برخی اشیاء فرموده‌اند: «ولکنه عزوجل خلق الخلق، فعلم ما تقوم به أبدانهم و ما يصلحهم، فأحل له و أباح لهم و علم ما یضرهم فنهأهم عنه و حرّمه علیهم ...» (الکلینی، ۱۳۶۲ق: ۲۴۲/۶، ج ۱). این بخش از روایت، آشکارا بر حرمت ضرر به خود دلالت دارد، زیرا امام (ع) حلیت را بر اساس آنچه مایه صلاح و قوام بدن است و حرمت را بر پایه آنچه مضر به بدن است، قرار داده است.

بنابراین هر کاری که باعث ورود آسیب و ضرر به بدن می‌شود، حرام است. البته واضح است که لازم نیست این ضرر و آسیب به مرز هلاکت برسد، تا حرام انگاشته شود، زیرا امام (ع) در ادامه حرمت را مترتب بر چهار اثر کرده است: ضعف بدن، سستی نیرو، قطع نسل و مرگ ناگهانی.^۱

۱. ثم قال (ع): «ما المیة فأنه لا یدمنها احد الا ضعف بدنه و نحل جسمه و ذهب قوته و انقطع نسله ولا یموت أكل المیة الا فجأة».

همچنین در روایت دیگری اسراف حرام به اتلاف مال و اضرار به بدن تعریف شده است (الکلبینی، ۱۳۶۲ق: ۴۹۹/۶، ح ۱۴)، چه اینکه اسراف تجاوز از حد و خروج از تعادل است و همان گونه که از بین بردن مال خود مصداق اسراف است، ضرر زدن به نفس هم باعث از بین رفتن تعادل بدن (اسراف) می باشد.

ج - حکم عقل

از جمله اموری که برای حرمت ضرر زدن به نفس مورد استدلال قرار گرفته است، حکم عقل به لزوم پرهیز از ضرر است. البته این دلیل مبتنی بر دو مقدمه است: نخست اینکه حکم عقل به وجوب اجتناب از ضرر و زیان امری مرتکز و ثابت است؛ و ضرر نزد عقلاء عبارت است از نقصان وارد بر جان یا مال و یا بدن انسان (البروجردی النجفی، بی تا: ۲۳۶/۳-۲۳۷) و دوم اینکه ملازمه میان حکم عقل و حکم شرع برقرار است و هر آنچه عقل بدان حکم کند، شرع نیز به آن حکم دهد (کَلَمًا حکم به العقل حکم به الشرع).

با این توضیح حکم عقل قوی ترین دلیل برای حرمت ضرر به نفس است، از این رو فقهای ما به وفور بدان استناد کرده اند (الطوسی، ۱۳۸۷ق: ۲۸۵/۶ و ۲۷۹/۷؛ (الحلی، ۱۴۱۱ق: ۲۲/۲ و ۱۳۲/۳)؛ (العالمی، ۱۴۱۹ق: ۲۵۷/۱)؛ (الحلی (فخرالمحققین)، ۱۳۸۸ق: ۲۵۶/۲)؛ (المحقق الحلی، ۱۳۸۹ق: ۳۹۷/۱)؛ (النجفی، ۱۴۰۵ق: ۱۱۶/۸).

د - اجماع

حرمت ضرر به نفس، مورد اجماع فقیهان شیعه بلکه اهل سنت است. برخی از علماء به صراحت این اجماع را ادعا کرده اند که از میان آنان می توان به ابن ادریس حلی؛ ملا احمد نراقی و ابن حجر هیتمی از فقهای شافعی اشاره کرد (الحلی، ۱۴۱۱ق: ۲۲/۲)؛ (النراقی، ۱۴۱۸ق: ۱۵/۱۵)؛ (الهیتمی، بی تا: ۲۲۳/۴).

علاوه بر این ها ادله دیگری نیز وجود دارد که بر حرمت به خطر انداختن جان (تغریب به نفس) دلالت دارند؛ از جمله آیه مبارکه: «لَا تَلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ»^۱ است که در مقام بازداشتن انسان از انداختن خود در تهلکه است و فقهای شیعه و سنی در پاره ای از فروع فقهی آن را مستند حکم خویش قرار داده اند (البحرانی، بی تا: ۲۷۶/۴ و ۲۶۴/۱)؛ (الاردبیلی، ۱۴۱۲ق: ۳۲۲/۱۱ و ۳۲۶)؛ (نجفی، ۱۴۰۵ق: ۱۰۴/۵ و ۴۳۲/۳۶). برخی از روایات نیز این

۱. سوره بقره، آیه ۱۹۵.

مضمون را تأیید می‌کند (الکلبینی، ۱۳۶۲ق: ۶۴/۳ ح ۶). حکم عقل نیز در این باره واضح است که عقل هر اقدام به کاری را که موجب به خطر افتادن جان و سلامتی انسان شود، قبیح می‌داند. لیکن در برابر ادله ذکر شده که ظاهراً به ناروا بودن اذن یا اقدام شخص بر هر گونه آسیب جسمانی به خویش دلالت دارند، تأملاتی وجود دارد که در مجموع نشان می‌دهد پذیرش خطر و اقدام می‌توانند به عنوان مبنای انتقای مسئولیت مدنی ورزشکاران در عملیات ورزشی منظور شوند؛ چه از یک سو ثابت است که انسان بر خویشتن دارای سلطنت است، گذشته از حکم عقل، آیاتی از قرآن بر این مفاد دلالت می‌کند.^۱ پیش‌تر نیز گفته شد که قاعده سلطه (الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم) به عنوان امری عقلایی، مورد پذیرش فقیهان است. همچنین روایاتی وجود دارد که بیانگر تفویض امور انسان به خود اوست. به عنوان نمونه از امام صادق (ع) نقل است که فرمودند: خدای عزوجل همه کارهای مؤمن را به خودش واگذار کرده است، مگر خوار کردن خویش را (الکلبینی، ۱۳۶۲ق: ۶۳/۵).

از سوی دیگر حرمت ضرر و به خطر انداختن جسم و جان در جایی است که آسیب و زیان قطعی، مسلم و قابل اعتناء (معتدبه) در میان باشد و در برابر نیز فایده و مصلحت دیگری مطرح نباشد. در غیر این صورت نمی‌توان به صرف ضرر و وجود خطر، به جانبداری از منع و حرمت پرداخت. به عنوان نمونه انجام برخی فرائض همچون خمس، زکات، حج و جهاد با ضرر و خسارت همراه است، ولی مشمول ادله نفی ضرر و حرمت تعزیر به نفس قرار نمی‌گیرند؛ زیرا در این موارد منافع مصالح مهم‌تر مدنظر قرار می‌گیرند و در برابر زیان‌ها و آسیب‌ها به حاشیه رانده و نادیده انگاشته می‌شوند (مکارم الشیرازی، ۱۴۱۰ق: ۷۶/۱-۷۵). از همین جهت است که حتی در مواردی در راستای سلطنت انسان و حفظ مصلحت و منفعت بیشتر به جداسازی اعضاء از بدن زنده و پیوند آن به دیگری حکم داده‌اند (الموسوی الخمینی، ۱۳۷۹: ۹۹۱/۲، مسئله ۷).

افزون بر این‌ها، در خصوص ورزش که محور اصلی بحث است، علاوه بر اینکه فواید و مصالح فراوانی بر انجام آن مترتب است، طبق آنچه بیشتر بیان شد، مشروع بودن رشته و مسابقه و مقررات ورزشی امری است مفروض؛ از این رو ورزش‌های خشن و خطرناک که در آن میزان حوادث و آسیب‌ها فراوان است از قلمرو بحث بیرون می‌باشد. بنابراین از یک طرف ورزش و عملیات ورزشی دارای منافع و آثار سودمند است از طرف دیگر آسیب‌ها و زیان‌های مربوط به آن

۱. آیه مبارکه: «قَالَ رَبِّ إِنِّي لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَأَخِي». سوره مائده، آیه ۲۵؛ و آیه مبارکه: «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ». سوره احزاب، آیه ۶.

جزئی، سبک و غیرقطعی محسوب می‌گردند. در نتیجه آن رشته ورزشی مشروع و روا دانسته می‌شود و زیان‌های سبک و آسیب‌های احتمالی آن به حساب نمی‌آیند و ورزشکاران با رضایت و اشتیاق فراوان به بازی، مسابقه و رقابت با حریف یا رقبای خود رو می‌آورند و در این میان (ضمن عملیات ورزشی) هرگاه آسیب یا خسارتی از ورزشکار دیگری به او وارد آید، به گونه‌ای که تخلف از مقررات آن ورزش نباشد، به موجب اقدام، مسئولیت مدنی عامل زیان مرتفع می‌گردد.

نتیجه‌گیری

دانستیم که آسیب‌ها و زیان‌های ناشی از بازی‌های ورزشی تابع قواعد عمومی مسئولیت مدنی (از جمله اتلاف) قرار نگرفته است. از این رو اگر ورزشکاری از سوی حریف یا رقیب ورزشی خود ضمن عملیات ورزشی دچار حادثه و زیان گردد، نمی‌تواند از این جهت علیه حریف یا رقیب خود دعوی مطالبه ضرر و زیان اقامه نماید. مگر اینکه حادثه از چارچوب عملیات ورزشی و قواعد آن ورزش خارج باشد.

حقوق ما در این خصوص فاقد مقررات مدون و مناسب است. از این رو، بررسی دیدگاه‌های مطرح شده، به ویژه مبانی آن‌ها در این باره بسیار مؤثر است. یکی از مبانی مهم ارائه شده در این خصوص اقدام زیان‌دیده و قبول خطر از سوی اوست که بر پایه آن می‌توان قانونگذار را به تدوین مقررات مطلوب و قضات را به صدور آرای عادلانه ترغیب نمود.

قاعده اقدام یکی از اسباب سقوط مسئولیت مدنی است و این قاعده اختصاصی به اموال و زیان‌های مالی ندارد، چرا که مدارک و مستندات اقدام به فراگیری آن نسبت به اعضاء و جوارح (اقدام بر نفس) دلالت دارند، از این رو می‌توان این قاعده را در مورد ورزشکاری که با آگاهی از حوادث، خطرات و احتمال آسیب‌دیدگی در میدان بازی و رقابت گام می‌نهد، جاری دانست. مگر آنکه گفته شود این اقدام، نوعی ضرر زدن به خویش و به خطر انداختن جان و حرام است، پس اقدام یا حتی اذن به آسیب جسمی (از جمله ورزش‌های مشتت‌بر هر گونه آسیب) ناروا خواهد بود. لیکن این اشکال، اقدام یا اذن را ناروا و بی‌اثر نمی‌سازد، چرا که انسان بر خویشتن سلطه دارد و آموزش (مال و جسم) به وی واگذار گردیده است. از طرف دیگر حرمت ضرر به خود یا به خطر انداختن جسم و جان، در جایی است که زیان قطعی و آسیب مورد اعتناء (معتد به) در میان باشد، در حالی که ورزش‌های مرسوم هم مصالح و فوائد فراوانی را به دنبال دارند و هم زیان‌ها و آسیب‌های مربوط به آن جزئی، سبک و غیرقطعی‌اند، آن گونه که در برابر مصلحت و منفعت مسلم ورزش نادیده انگاشته می‌شوند و به حساب نمی‌آیند.

البته چنانکه گفته شد نمی‌توان اذن و اقدام را یکسان و دارای نتایج هماهنگ پنداشت، بلکه تفاوت دقیقی میان این دو برقرار است که در تعیین قلمرو عدم مسئولیت مدنی ورزشکاران و نیز توجیه مبانی حقوقی تأثیر فراوان دارد. زیرا بر اساس ماهیت اذن و مطالعاتی که در مورد آن انجام شد، دانستیم که اذن در ائتلاف جان یا عضو لغو و بیهوده است. بنابراین اگر ورزشکاری برای ورود آسیب بدنی قطعی و سنگین یا تلف خویش به دیگری اذن دهد، این اذن و رضایت بی‌اثر است و مسئولیت عامل زیان را منتفی نمی‌سازد. در حالی که اقدام این گونه نیست و در هر صورت مسئولیت را متوجه فرد دیگری نمی‌کند. ورزشکاری که با وجود آگاهی از خطر، اقدام به ضرر خود کرده و جسمش را مقابل صدمات و حوادث کشنده قرار می‌دهد به‌رغم آنکه به سبب اضرار و خطری‌پذیری مرتکب عمل حرام گردیده است، مشمول قاعده اقدام قرار می‌گیرد و فرد دیگری در برابر او مسئولیت نخواهد داشت. بدین ترتیب باید ادعان نمود که از این جهت گستره اقدام به عنوان مبنای عدم مسئولیت مدنی وسیع‌تر است و در صورت تحقق شرایط آن، هر گونه حادثه ورزشی و آسیب‌های ناشی از آن را در بر می‌گیرد و به درستی می‌تواند نظریه پذیرش و اقدام به خطر را در ورزش توجیه نماید.

منابع

الف - فارسی

۱. آقای‌نیا، حسین؛ *حقوق ورزشی*، تهران، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۱.
۲. _____؛ «مسئولیت کیفری ناشی از عملیات ورزشی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۸، شماره ۴۶.
۳. جامپیون جونپور؛ تی، والتر؛ *مبانی حقوق ورزشها، مسئولیت مدنی در ورزش*، ترجمه دکتر حسین آقای‌نیا، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۸۶.
۴. ژوردن، پاتریس؛ *تحلیل رویه قضائی در زمینه مسئولیت مدنی*، ترجمه و تحقیق مجید ادیب، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۵. کاتوزیان، ناصر؛ *حقوق مدنی، الزام‌های خارج از قرارداد*، جلد ۱، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.
۶. محقق داماد، سید مصطفی؛ *قواعد فقه بخش مدنی*، جلد ۱، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ دهم، ۱۳۷۶.
۷. مرعشی، سید محمدحسین؛ *دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام*، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۳.

ب - عربی

۸. آل‌کاشف الغطاء، محمد حسین؛ *تحریر المجلة*، جلد ۱ و ۲، نجف، المكتبة المرتضوية، ۱۳۶۰ ه.ق.
۹. الاردبیلی، احمد؛ *مجمع الفائدة و البرهان*، جلد ۱۰ و ۱۴، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۲ ه.ق.

۱۰. الاشتهادی، علی پناه؛ **تقریرات ثلاثة لبحث سيدنا آقا حسين البروجردی**، جلد ۲، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۳ ه.ق.
۱۱. الاصفهانی، محمدحسین؛ **بحوث فی الفقه - الاجارة**، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۹ ه.ق.
۱۲. الانصاری، مرتضی؛ **كتاب المكاسب**، قم، مجمع الفكر الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۲۰ ه.ق.
۱۳. بجنوردی، سید محمد؛ **قواعد فقهیه**، جلد ۱، تهران، مؤسسة عروج، چاپ سوم، ۱۳۷۹.
۱۴. البحرانی، یوسف؛ **الحدائق الناضرة**، جلد ۴ و ۱۵، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، بی تا.
۱۵. البروجردی، مرتضی؛ **مستند العروة الوثقی كتاب الزكاة (تقریرات آية الله الخوئی)**، جلد ۱، قم، انتشارات علمیه، بی تا.
۱۶. البروجردی النجفی، محمدتقی؛ **نهاية الافكار (تقرير ابحاث آغاضیاء لمدین العراقی)**، جلد ۳، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، بی تا.
۱۷. الحرّ العاملی، محمد بن الحسن؛ **وسائل الشیعه**، جلد ۱۸ و ۲۵، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۱۸. الحسینی المراغی، میر عبدالفتاح؛ **العناوین**، جلد ۲، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۸ ه.ق.
۱۹. الحسینی المیلانی، سید علی، **كتاب القضاء (تقریرات السيد محمدرضا الكلبی بگانی)**، جلد ۱، قم، مطبعة الخیام، ۱۴۰۱ ه.ق.
۲۰. الحلّی، احمد بن فهد؛ **المهذب البارع**، جلد ۲، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۱ ه.ق.
۲۱. الحلّی، محمد ابن ادریس؛ **كتاب السرائر**، جلد ۳، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۱ ه.ق.
۲۲. الحلّی (فخرالمحققین)، محمد بن حسن؛ **ایضاح الفوائد**، جلد ۲، قم، مطبعة العلمیة، ۱۳۸۸ ه.ق.
۲۳. السراج، محمد؛ **ضمان العدوان فی الفقه الاسلامی**، قاهرة، دارالثقافة، چاپ اول، ۱۴۱۰ ه.ق.
۲۴. السرخسی، احمد بن ابوسهل، **اصول السرخسی**، بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۴ ه.ق.
۲۵. السرخسی، شمس الدین، **المبسوط**، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۴ ه.ق.
۲۶. الشیرازی، سید محمد، **الفقه**، جلد ۹۰، بیروت، دارالعلوم، ۱۴۰۹ ه.ق.
۲۷. طاهری، حبیب الله، **قواعد فقه**، جلد ۱، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۲۸. الطباطبای یزدی، السید محمد؛ **حاشیة المكاسب**، قم، دارالعلم، ۱۳۷۸ ه.ق.
۲۹. الطوسی، محمد بن حسن؛ **المبسوط فقه الامامیة**، جلد ۶ و ۷، تهران، المكتبة المرتضویة، ۱۳۸۷ ه.ق.
۳۰. الطوسی (شیخ طوسی)، محمد بن الحسن؛ **النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوى**، قم، انتشارات قدس محمدی، بی تا.
۳۱. العاملی (الشهید الاول)، محمد بن مکی؛ **ذکری الشیعة**، جلد ۱، قم، مؤسسة آل البيت (ع)، چاپ اول، ۱۴۱۹ ه.ق.

٣٢. العاملي، سيد محمد جواد؛ *مفتاح الكرامة*، جلد ١، قم، مؤسسة آل البيت (ع)، بي.تا.
٣٣. العثيمين، محمد بن صالح؛ *الشرح الممتع على زاد المستقنع*، جلد ١٤، بيروت، دار ابن الجوزي، ١٤٢٢ هـ.ق.
٣٤. القرافي، احمد بن ادريس؛ *الفروق (انوار البروق في انواء الفروق)*، جلد ١، بيروت، دارالكتب العلمية، چاپ اول، ١٤١٨ هـ.ق.
٣٥. الكركي، علي بن حسين؛ *جامع المقاصد في شرح القواعد*، جلد ٧، قم، مؤسسة آل البيت (ع)، چاپ اول، ١٤١١ هـ.ق.
٣٦. الكليني، محمد بن يعقوب؛ *الكافي*، جلد ٣ و ٥ و ٦، تهران، دارالكتب الاسلامية، چاپ دوم، ١٣٦٢ هـ.ق.
٣٧. الماوردي، علي بن محمد؛ *الاحكام السلطانية*، دارالكتب العلمية، بيروت، ١٤٠٢ هـ.ق.
٣٨. المحقق الحلبي، جعفر بن الحسن؛ *شرايع الاسلام*، جلد ١ و ٤، نجف، مطبعة الآداب، چاپ اول، ١٣٨٩ هـ.ق.
٣٩. المصطفوي، محمد كاظم؛ *القواعد*، قم، مؤسسة النشر الاسلامي، چاپ دوم، ١٤١٥ هـ.ق.
٤٠. مكارم الشيرازي، ناصر، *القواعد الفقهية*، جلد ١ و ٢، قم، مدرسة الامام امير المؤمنين (ع)، چاپ دوم، ١٤١٠ هـ.ق.
٤١. الموسوي الخميني، روح الله؛ *تحرير الوسيلة*، جلد ٢، مؤسسه تنظيم و نشر آثار الامام الخميني، ١٣٧٩.
٤٢. المؤمن القمي، محمد؛ *كلمات سديدة*، قم، مؤسسة النشر الاسلامي، چاپ اول، ١٤١٥ هـ.ق.
٤٣. النجفي، محمد حسن؛ *جواهر الكلام*، جلد ٥ و ٨ و ٣٦ و ٤٢ و ٤٣، بيروت، داراحياء التراث العربي، چاپ ششم، ١٤٠٥ هـ.ق.
٤٤. التراقي، احمد؛ *مستند الشيعة*، جلد ١٥، قم، مؤسسة آل البيت (ع)، چاپ اول، ١٤١٨ هـ.ق.
٤٥. النوري، ميرزا حسين؛ *مستدرک الوسائل*، جلد ٣، بيروت، مؤسسة آل البيت (ع)، چاپ اول، ١٤٠٨ هـ.ق.
٤٦. الهيتمي، احمد بن حجر؛ *الفتاوى الكبرى الفقهية*، جلد ٤، بيروت، مؤسسة التاريخ العربي، بي.تا.

ج- لاتين

47. Barriema, Peter; 2005, *Personal Injury Law, liability, compensation and procedure*, oxford, London.
48. Campbell black; Henry, Blacks; 1990, *Law Dictionary*, 6 Edition, West Publishing Co, London.
49. K.Thornton, Patric; 2010, *Sport Law*, Jones and Bartlett Publishers, Boston.
50. Winfield,P.H; 1950, *A Text-Book of Law of Tort*, 5 Edition , Sweet & Maxwell limited, London.